

شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)

یعقوب احمدی،^۱ رسول ربانی،^۲ آزاد نمکی^۳

(تاریخ دریافت ۹۰/۵/۱۴، تاریخ پذیرش ۹۱/۲/۱۳)

چکیده

اهمیت نقش ارزش‌های توده در گذار به دموکراسی در سال‌های اخیر برجستگی خاصی یافته است. اگرچه دیرینه‌شناسی مفهومی حکایت از تأکید اندیشمندانی مانند ارسطو و افلاطون بر اهمیت نقش ارزش‌های شهروندان در سیاست دارد، در دهه‌های اخیر و به طور خاص با مطالعه «فرهنگ مدنی» آلموند و وربا بود که توجهات بیش از پیش به این سو رهنمون شد. مطالعه حاضر نیز در همان راستا، البته با طرح نظریات و تجربیات نو، درباره ارزش‌ها انجام گرفته است.

داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS)، موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ اخذ شده است. این پیمایش در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است. در این مجموعه داده‌ها استان محل سکونت پاسخگو در یکی از متغیرهای آن ثبت شده است و بر این اساس، امکان مقایسه میزان ارزش‌های رهایی‌بخش پاسخگویان به تفکیک استانی مهیا شده است. در این پژوهش استان‌هایی که تعداد نمونه آن‌ها در

1. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران Yahmady2001@yahoo.com

2. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان که در سال ۱۳۹۰ به رحمت خدا رفت. روانش شاد باد.

3. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان azadnamaki@gmail.com

مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بود حذف شدند، لذا تحلیل نوشتار حاضر مبتنی بر ۲۱ استان از مجموع استان‌های ایران بوده و با در نظر گرفتن استان‌های خراسان جنوبی و شمالی که داده‌های آن‌ها در استان خراسان رضوی ادغام شده‌اند در مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر ۱۹ استان باقی‌مانده خواهد بود.

نتایج حاکی از ارتباط معنی‌دار میان وضعیت شاخص توسعه انسانی (HDI) و زیرمجموعه‌های آن یعنی درآمد سرانه، امید به زندگی و سطح آموزش با ارزش‌های رهایی‌بخش یعنی نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی است. یافته‌ها همچنین نشان از آن دارند که شاخص توسعه انسانی به تنهایی بیش از ۲۸/۲ درصد از واریانس گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی در استان‌های ایران را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه انسانی، فرهنگ، فرهنگ سیاسی، مردم‌سالاری.

بیان مسئله

توسعه سیاسی به‌مثابه «افزایش ظرفیت و کارایی نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی‌بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه «همواره نهایت آمال جوامع و حکومت‌ها در دوران معاصر بوده است. چنین تعاریفی، در واقع، توسعه سیاسی را متناظر و مترادف با فرآیند گسترش دموکراسی و دموکراتیک شدن نشان می‌دهند. بر این اساس، می‌توان گفت «توسعه سیاسی با رشد دموکراسی همراه است» (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۲۰۴). چنین است که در دوره معاصر، برای نخستین‌بار در تاریخ، اکثر جمعیت جهان دارای حکومت‌های منتخب هستند. ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۶) این مهم را «موج سوم دموکراتیک شدن» نامیده و از آن به‌عنوان «یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در تاریخ بشر» یاد می‌کند (هارپر و دیگران، ۲۰۰۹). این اظهارنظر چندان اغراق‌آمیز نیست. دموکراسی به شیوه‌های متعدد زندگی افراد را بهبود می‌بخشد. کشورهای دموکراتیک در حمایت و احترام به حقوق بشر شهروندان (پو و تات، ۱۹۹۴)، کاهش خطر جنگ داخلی (گار، ۲۰۰۰) و حتی تروریسم (لی، ۲۰۰۵) بسیار بهتر عمل می‌کنند. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه کشورهای دموکراتیک در عرصه بین‌المللی به صورت مسالمت‌آمیزتر رفتار می‌کنند (روست، ۱۹۹۳). نهایتاً، مستندات وجود دارد مبنی بر اینکه دموکراسی، شادی و رضایت مردم را از زندگی افزایش می‌دهد (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۸). اگرچه کشورهای غیردموکراتیکی مانند سنگاپور و چین نیز وجود دارند که مرفه و دارای حکمرانی خوب هستند، در مجموع، دموکراسی‌ها عملکرد بهتری در ابعاد انسانی فوق درمقایسه با دولت‌های اقتدارگرا دارند.

بر این اساس، فهم علت گذار بعضی از کشورها به دموکراسی و عدم گذار پاره‌ای از کشورهای دیگر، برای محققان موضوعی مهم و درخور توجه بوده است. فرآیند گذار به دموکراسی نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است. آغاز واکاوی این موضوع در جهان علمی، از زمان انتشار مقاله سیمور مارتین لیپست یعنی «پیش‌نیازهای اجتماعی دموکراسی» (۱۹۵۹) بوده است (ونهانن، ۲۰۰۳). در این باره، محققان مختلف با جهت‌گیری‌های فکری متفاوت، عوامل گوناگونی را پیش‌نیاز دموکراتیک شدن معرفی کرده‌اند؛ عواملی نظیر توسعه اقتصادی، طبقه اجتماعی، سکولاریته، برابری یا نابرابری اجتماعی، دین و نگرش‌های دینی و در تازه‌ترین مورد نیز فرهنگ سیاسی.

با وجود اینکه فرهنگ سیاسی به لحاظ مفهومی و محتوایی در مطالعات مربوط به سیاست و رفتارهای سیاسی سابقه‌ای کهن دارد، در پژوهش‌های علمی معاصر به طور جدی‌تری مورد توجه واقع شده است. گابریل آلموند فرهنگ سیاسی را «الگوی نگرش‌ها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام» تعریف می‌کند. از دیدگاه آلموند، هر نظام سیاسی متضمن الگویی خاص از جهت‌گیری به سوی کنش‌های سیاسی است (شریف، ۱۳۸۱: ۸). همچنین از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۱). لوسین پای معتقد است فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از باوردها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲).

باورها و اعتقادات و اموری از این دست که عوامل زیربنایی و تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی معرفی می‌شوند، تحت تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه مختلفی به خود می‌گیرند. از این منظر، فرهنگ سیاسی جوامع و حتی گروه‌های مختلف مبتنی بر عناصر اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به‌گونه‌های مختلفی تفکیک شده‌اند. یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر گونه‌های فرهنگ سیاسی جوامع، عامل توسعه و در این نوشتار سنجه‌ها یا شاخص‌های توسعه انسانی است. توسعه، ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است. پیش از این، توسعه اقتصادی کانونی‌ترین وجه توسعه قلمداد می‌شد. امروزه تقریباً تمامی محققان برآن‌اند که توسعه واقعی چندبعدی و چندوجهی است. مایکل تودارو توسعه را جریان چندبعدی می‌داند که مستلزم تجدید سازمان و جهت‌گیری مجموعه نظام اجتماعی و اقتصادی کشور است و علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید آشکار، متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های اجتماعی، نهادی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد، حتی آداب و رسوم و اعتقادات است. توسعه در دنیای امروز امر مطلوبی است که در تمامی جوامع و حتی در

تمامی ارگان‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این منظر، توسعه انسانی نمادی از توسعه پایدار و یکی از کانونی‌ترین مباحث اثرگذار بر توسعه سیاسی جوامع تلقی می‌شود. چه آنکه در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل^۱ (۲۰۰۲: ۶-۱) نیز بر اهمیت سیاست برای توسعه انسانی تأکید می‌شود، «زیرا مردم در تمام نقاط دنیا تمایل دارند که سرنوشتشان را تعیین کنند، عقایدشان را ارائه دهند و در تصمیماتی که زندگی‌شان را شکل می‌دهد مشارکت کنند». توسعه انسانی می‌تواند با توانمندسازی مردم جهت تأکید بر سیاست‌هایی که فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را بسط می‌دهند، حکومت دموکراتیک را توسعه دهد. کیفیت حکومت‌داری به طور اساسی نتایج توسعه انسانی پایدار تلقی می‌شود (شارما، ۲۰۰۹: ۳۰).

ایران از جمله کشورهایی است که وسعت بسیاری دارد و مناطق شهری در نقاط مختلف این پهنه جغرافیایی گسترده شده‌اند. به دلیل وسعت بسیار و همچنین به دلیل بافت متفاوت فرهنگی-اجتماعی، استان‌های ایران به لحاظ اقتصادی و شاخص‌های توسعه انسانی، در دست‌ها و گاه در رتبه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. تردیدی نیست همان‌گونه که عنوان شد این تفاوت‌ها در میزان توسعه‌یافتگی، به‌ویژه در شاخص‌های توسعه انسانی، اثرات ماندگاری بر ارزش‌های جهت‌یافته در راستای سیاست برجای می‌گذارند. از این منظر است که می‌توان استان‌های ایران را متناسب با سطح توسعه انسانی به لحاظ فرهنگ سیاسی دسته‌بندی و گونه‌شناسی کرد. نوشتار حاضر در واقع در پی بررسی چنین تناظر و انطباقی میان این دو مقوله اثرگذار در کشور ایران است و بر این اساس پرسش‌های اصلی این تحقیق به قرار زیر هستند:

- آیا وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان‌های ایران بر ارزش‌های رهاينده، به‌عنوان فرهنگ سیاسی دموکراتیک آن استان‌ها، اثر دارند؟
- کدامیک از سنجه‌های شاخص توسعه انسانی، بیش از سایرین بر ارزش‌های رهاينده استان‌ها اثرگذار است و میزان تبیین‌کنندگی واریانس ارزش‌ها توسط هریک به چه میزان است؟

چارچوب نظری

فرهنگ سیاسی

از همان آغاز، پژوهشگران فرهنگ سیاسی ادعا کرده‌اند که کارگزاری و بقای نهادهای دموکراتیک در سطح نظام با جهت‌گیری‌های ارزشی سطح فردی ارتباط بسیاری دارند. از این دیدگاه، سرنوشت نظام سیاسی عمدتاً به‌وسیله نگرش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی

1. UNDP

مردم تعیین می‌شود. بر این اساس، می‌توان عنوان کرد این ایده که نظام سیاسی هر جامعه باورها و ارزش‌های رایج مردم، یعنی فرهنگ سیاسی، را منعکس می‌کند سنت دیرینه‌ای دارد. ارسطو ۳۵۰ سال پیش از میلاد در کتاب چهارم سیاست عنوان می‌کند که دموکراسی در اجتماعات طبقه متوسط که اکثر شهروندانش دارای جهت‌گیری مشارکتی مساوات‌طلبانه هستند محقق می‌گردد و بسیاری از نظریه‌پردازان بعدی ادعا کرده‌اند که پرسش از نوع نظام سیاسی که در هر کشوری رایج است بر جهت‌گیری متداول شهروندان آن نظام مبتنی است. مونتسکیو (۱۹۸۹ [۱۷۴۸]: ۱۰۶) بر آن بود که قوانینی که جامعه از طریق آن اداره می‌شود، منعکس‌کننده نگرش و طرز تفکر مردم آن جامعه است؛ اینکه اجتماعی به شکل استبدادی، مونارشی یا دموکراسی اداره می‌شود، به ترتیب ناشی از رواج اضطراب، وفاداری یا جهت‌گیری‌های مدنی است. در همین باب، آلکسی دو توکویل (۱۹۹۴ [۱۸۳۵]: ۲۹) در کتاب *دموکراسی در آمریکا* این ایده را بیان می‌کند که شکوفایی دموکراسی در ایالات متحده جهت‌گیری‌های لیبرال و مشارکتی مردم آمریکا را منعکس می‌کند (به نقل از اینگلهارت و لزل، ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۴۵).

در دوران معاصر، برجسته‌ترین نمود این حقیقت که نظام سیاسی نیازمند جهت‌گیری‌های متناسب از سوی مردم است، ناکامی دموکراسی در آلمان وایمار بود (اینگلهارت و لزل، ۲۰۰۹). اگرچه پذیرش قانون اساسی دموکراتیک در آلمان پس از جنگ جهانی اول به نظر سبب تدوین و طراحی مجموعه‌ای از قوانین و نهادهای دموکراتیک برای این کشور شد، این روند سبب تغییر نگرش شهروندان آلمانی به نظام اقتدارگرایی که پیش‌تر تجربه کرده و به آن عادت کرده بودند نشد. زمانی که دموکراسی نوظهور در ایجاد نظم و رفاه ناکام ماند، هیتلر در انتخاباتی دموکراتیک پیروز شد و به قدرت رسید. ناکامی دموکراسی در آلمان چنان پیامدهای مصیبت‌باری داشت که برای دهه‌ها دانشمندان اجتماعی، روان‌شناسان و محققان افکار عمومی را به زحمت انداخت. نهایتاً محققان به این نتیجه رسیدند که علت آن فاجعه وجود «دموکراسی بدون دموکرات‌ها» بود (براجر، ۱۹۷۱ [۱۹۵۵]). در همین زمینه، هارولد لاسول (۱۹۵۱: ۴۷۳، ۴۸۴، ۵۰۲) ادعا کرد که ظهور و بقای رژیم‌های دموکراتیک عمدتاً مبتنی بر باورهای توده است. به طور مشابهی، سیمور مارتین لیپست هنگام تحلیل علت تأثیر نوسازی بر دموکراسی خاطر نشان کرد که نوسازی به‌شيوه‌ای نگرش‌های مردم را تغییر می‌دهد که افراد جامعه را به حامیان اصول دموکراتیکی مانند تکثرگرایی سیاسی و کنترل عمومی بر قدرت مبدل می‌سازد. اخیراً ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۱: ۶۹) یادآور شده است که رشد تمایلات توده به آزادی

سازوکار واسطی ایجاد می‌کند که علت رشد جنبش‌های دموکراسی‌خواه در کشورهای مختلف در دهه‌های اخیر به واسطه نوسازی را تبیین می‌کند.

آلموند و وربا نخستین پیمایش تجربی تطبیقی را درباره ارتباط نگرش‌های توده با تثبیت و کارگزاری دموکراسی‌ها آغاز کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که ترکیب مناسب میان «جهت‌گیری‌های ذهنی» و «جهت‌گیری‌های مشارکتی» منشأ «فرهنگ مدنی» است که به شکوفایی دموکراسی‌ها کمک می‌کند. مطالعات تجربی تطبیقی بعدی بر اهمیت نگرش‌ها و ارزش‌های سطح فردی در نگهداشت نهادهای دموکراتیک در سطح نظام تأکید کردند (دیاموند، ۲۰۰۳: ۲۸). گابریل آلموند و سیدنی وربا (۱۹۶۳: ۴۹۸) و پس از آن‌ها اکستین (۱۹۶۶: ۱) اصطلاح «انطباق» را با این ادعا معرفی کردند که رژیم‌های سیاسی فقط تا زمانی ثابت دارند که الگوهای اقتدارشان با عقاید مردم در مورد نوع اقتدار سیاسی آن جامعه منطبق باشد؛ اکستین اضافه می‌کند که این قضیه صرف‌نظر از نوع رژیم آن جامعه صدق می‌کند. بر مبنای ایده انطباق، رژیم‌های اقتدارگرا تا زمانی باثبات خواهند بود که مردم به مشروعیت قدرت‌های دیکتاتوری باور داشته باشند، دقیقاً به همین منوال، رژیم‌های دموکراتیک تا زمانی باثبات هستند که مردم به کنترل عمومی اقتدار سیاسی باور داشته باشند.

لاری دیاموند در کتابش با عنوان *دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم خاطر نشان* می‌کند که «دموکراسی باید به‌عنوان پدیده‌ای تکاملی ملاحظه شود، زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره دیگری دموکراسی در جهان مدرن دولت-ملت‌ها به‌مثابه دموکراسی که در آن همه شهروندان تقریباً منابع سیاسی یکسانی دارند و حاکمیت به طور کامل یا تقریباً کامل نماینده تمام شهروندان باشد، کامل نبوده است» (دیاموند، ۱۹۹۹: ۱۸). دیاموند فرآیندهای تحکیم دموکراسی را در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند آزمون کرد. توجه او بر عوامل فرهنگی-سیاسی و جامعه مدنی متمرکز بود، اگرچه به ساختارهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی نیز اشاره می‌کند. هانتینگتون نیز عامل ناکامی دموکراسی در جوامع مسلمان را فرهنگ می‌داند. او بیان می‌کند که «منبع این ناکامی، دست‌کم در بخشی از دیدگاه نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است» (هانتینگتون، ۱۹۹۶: ۱۱۴).

کریستوفر کلاگ و همکاران (۲۰۰۱: ۳۶-۳۷) بر اساس مطالعه تجربی‌شان عنوان می‌کنند که «احتمال ظهور دموکراسی در دوره پس از جنگ، بسیار متأثر از خصوصیات داخلی کشورهاست که منعکس‌کننده میراث نهادی و فرهنگی آن کشورهاست». آن‌ها تأکید می‌کنند که تأثیر استعمار بریتانیا و میزان نسبتاً پایین فروپاشی یا تجزیه قومی، موجباتی برای

دموکراسی بوده‌اند، در حالی که میراث اسلامی اثر منفی بر احتمال ایجاد دموکراسی داشته است (همان: ۴۰). گوران هایدن (۲۰۰۲) به تکثرگرایی فرهنگی توجه کرده و خاطرنشان می‌کند که در آفریقا قومیت بسیار بیشتر از سایر نقاط جهان با دموکراسی سازگار بوده است. طرفداران ایده «ارزش‌های آسیایی» برای تبیین فقدان آزادی سیاسی در بعضی از کشورهای آسیایی کوشیده‌اند؛ آن‌ها با اشاره به سنت‌های فرهنگی آسیایی عنوان می‌کنند که در این سنت‌ها تأکید عمده بر اجتماع، اقتدار و رهبری باثبات و قوی است نه فردگرایی و تکثرگرایی. تاکاشی اینوگوچی و ادوارد نیومان (۱۹۹۷: ۷) نیز خاطرنشان می‌کنند که مسئله بحث آسیایی این است که ارزش‌های آسیایی «بسیار آسان منبع حامی رهبران اقتدارگرایی هستند که حقوق بشر و مخالفان را انکار می‌کنند». یان مارش و دیگران بر سؤال مشابهی درباره «ارزش‌های آسیایی» و سایر مباحث مبنی بر اینکه دموکراسی می‌تواند مانع رشد و توسعه اقتصادی شود تمرکز کردند. آن‌ها این مباحث را با مطالعه موردی هشت کشور شرق و جنوب آسیا آزمون کردند. با احتیاط و دقت در مطالعات موردی، بلوندل و مارش به این نتیجه رسیدند که هیچ نشانه‌ای از کاهش در نرخ‌های رشد اقتصادی در کشورهایی که در آن زمان دموکراتیک شدند وجود نداشت و اینکه هیچ مدرک آشکاری مبنی بر اینکه نشان دهد قواعد لیبرال دموکراسی به طور مستقیم و آشکار برای رفاه اقتصادی مضر است به دست نیامد (مارش، ۱۹۹۹: ۳۴۸، ۳۵۶).

جان-اریک لان و سوانت ارسون^۱ فرضیه‌های متعددی را درباره اثرات فرهنگی به‌وسیله داده‌های کمی آزمودند. اعتقاد کلی آن‌ها این است که «تحلیل فرهنگی به‌عنوان علیت فرهنگی دست‌کم در ارتباط با بروندادهای کلان، در هیچ یافته مشخصی که به‌وسیله شواهد تجربی قوی تأیید شده باشد به دست نیامده است» (همان: ۲۶۰-۲، ۳۰۲). تقریباً تمامی مطالعات فوق برآنند که تمایلات توده در نگرش‌های سطح فردی و جهت‌گیری‌های ارزشی برای کارگزاری دموکراسی در سطح نظام مهم هستند. این فرض پایه استدلال زیربنایی تحقیق درباره فرهنگ سیاسی است.

رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل (۱۳۸۹: ۲۲۱) این پیش‌فرض‌ها را با این پیشنهاد گسترش داده‌اند که رژیم‌های سیاسی برای حفظ بقا بایست دموکراسی را در سطح تقاضای مردم عرضه کنند. اینگلهارت و ولزل برآنند که در فرآیند دموکراتیک شدن، باورهای توده نقش محوری ایفا می‌کند. از نظر آن‌ها رشد منابع مختلف موجب رشد ارزش‌های رهاینده‌ای می‌شود که بر ابراز وجود تأکید می‌کنند و این ارزش‌ها منشأ کنش‌های جمعی هستند که به

1. S. Ersson

شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

دموکراتیک شدن منجر می‌شود. باورهای رهاينده توده مهم‌ترین عامل فرهنگی در کمک به اکتساب، تحکیم و تعمیق دموکراسی است. همچنان‌که نظام توانمندسازی افراد را طراحی می‌کند، دموکراسی نیز که نوعی اکتساب رهاينده است، به وسیله عوامل رهاينده در جامعه شکل می‌گیرد.

جدول ۱. فرآیند توسعه انسانی

توسعه انسانی			فرایندهای در حال پیشرفت توسعه انسانی
بعد نهادی	بعد فرهنگی	بعد اجتماعی - اقتصادی	
دموکراتیک شدن	تغییر ارزشی	نوسازی	عناصر توسعه انسانی
آزادی‌های مدنی و سیاسی	ارزش‌های ابراز وجود	منابع اجتماعی - اقتصادی	تأثیرات توسعه انسانی
افزایش اختیارات افراد برای عمل مطابق انتخاب	افزایش تقدم افراد به عمل مطابق انتخاب	افزایش امکانات افراد برای عمل مطابق انتخاب	موضوع زیربنایی
گسترش انتخاب انسانی (جامعه انسان‌گراتر)			

(منبع، اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۸)

آن‌ها در حمایت از این ادعا شواهد تجربی گرد آوردند که اثبات می‌کرد در خلال موج جهانی دموکراتیک شدن در سال‌های ۱۹۹۰ کشورهای که در آن‌ها تمایل مردم برای دموکراسی از میزان نهادهای دموکراتیک واقعاً موجود پیش‌تر بود، متعاقباً بیشترین پیشرفت در دموکراتیک شدن را تجربه کردند؛ در حالی که در آن کشورهای که دموکراسی را بیش از سطح تمایلات توده برای دموکراسی عرضه می‌کنند، در دهه بعد از آن، تمایل حرکتی به سوی دموکراسی کمتر بود.

اینگلهارت و همکاران در مراحل متفاوت توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییرات فرهنگی متفاوتی را معرفی می‌کنند. «صنعتی‌شدن نخستین فرآیند عمده تغییر فرهنگی را رشد می‌دهد و بوروکراتیک شدن و سکولاریسم را به همراه می‌آورد. ظهور جامعه فراصنعتی فرآیند دوم تغییر فرهنگی را شکل می‌دهد: به جای عقلانیت، تمرکزگرایی و بوروکراتیک‌شدن، روند جدید در جهت افزایش تأکید بر خودمختاری فردی و ارزش‌های ابراز وجود است» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۱). آن‌ها عقیده دارند دگرگونی از ارزش‌های صنعتی به فراصنعتی، تعدادی از نهادهای کلیدی جامعه صنعتی را تضعیف می‌کند. در قلمرو سیاسی، رشد ارزش‌های فراصنعتی، کاهش احترام به اقتدار و رشد تأکید بر مشارکت و ابراز وجود را به همراه می‌آورد. این روندها در جوامع اقتدارگرا منشأ دموکراسی هستند و در جوامع نسبتاً دموکراتیک منشأ چالش نخبگان.

برای این متفکران، ارزش‌های ابراز وجود بر آزادی فردی، تنوع انسانی و استقلال مدنی تأکید دارد. «ارزش‌های ابراز وجود دربردارنده تأکید فرامادی‌گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانة شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی است که در رضایت از زندگی منعکس می‌شود» (همان: ۲۸۵).

با توجه به نظریه اینگلهارت و ولزل، نوع فرهنگ سیاسی مناسب دموکراسی، خواه رسمی یا کارآمد، دربردارنده مقوله‌های ارزش‌های ابراز وجود یا «رهاينده» است. مقوله‌های شاخص ارزش‌های ابراز وجود (رهاينده) شامل ارزش‌های فرامادی‌گرایی، برابری جنسیتی، شاخص استقلال و تساهل نسبت به دیگران است. بر این اساس افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردارند، نگرش مثبتی به برابری جنسیتی دارند، بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید می‌کنند و به شیوه‌ای متساهلانه به دیگران می‌نگرند (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹: ۱۳۲).

شاخص‌های توسعه انسانی و ارزش‌های ابراز وجود^۱ (گونه دموکراتیک فرهنگ

سیاسی)

هماهنگی و هم‌آوایی فرآیند نوسازی و درون‌مایه‌های آن با گونه تقریباً مدرن حاکمیت سیاسی، یعنی حاکمیت دموکراتیک، امری است که از همان آغاز مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و محققان حوزه علوم اجتماعی و سیاسی بوده است. در این زمینه، لیپست بر آن است که دو خصوصیت جامعه به‌شدت بر گذار به دموکراسی و تثبیت آن مؤثرند: توسعه اقتصادی و مشروعیت یا درجه‌ای که نهادها فی‌نفسه ارزشمند و مناسب قلمداد می‌شوند (لیپست، ۱۹۵۹: ۴۶). لیپست در پاسخ به این موضوع که چرا نوسازی علت و منشأ دموکراسی است گفت از آن رو که نوسازی به ایجاد باورها و ارزش‌هایی که مناسب دموکراسی هستند گرایش دارد. لیپست دریافت که شرایط اجتماعی عینی بر تغییرات سیاسی مانند دموکراتیک شدن اثر می‌گذارند و این اثر را از طریق گرایش به ایجاد نگرش‌های ذهنی که درصدد ایجاد این تغییرات سیاسی هستند، بر جای می‌گذارند. دانیل لرنر در کتاب *گذار از جامعه سنتی، مدرن‌شدن خاورمیانه* بحث مشابهی در مورد اثرات نوسازی بر توسعه سیاسی ارائه کرده است (۱۹۵۸). گری مارکس

1. اینگلهارت و ولزل گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی را ارزش‌های ابراز وجود (۲۰۰۵؛ ۱۳۸۹) یا ارزش‌های رهاينده (۲۰۰۹) می‌نامند، از این رو در این نوشتار نیز هر دو عنوان یعنی ابراز وجود و رهاينده به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.

و لاری دیاموند عنوان می‌کنند که «شواهد به‌روشنی و به‌طور مستحکم، نشان‌دهنده روابط علی‌شدیدی میان توسعه اقتصادی و دموکراسی هستند» (مارکس و دیاموند، ۱۹۹۲: ۶).

تداوم بحث رابطه میان توسعه یا نوسازی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک و برجستگی سال‌های اخیر مبحث توسعه انسانی سبب عطف توجه به این موضوع شده و از این رو ارتباط میان شاخص‌های توسعه انسانی و دموکراسی و همچنین ارزش‌های دموکراتیک به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده، بیش از پیش در میان دانشمندان حوزه علوم سیاسی و اجتماعی عمومیت یافته است. در این زمینه، رابرت جی بارو (۱۹۹۹) تأکید می‌کند «افزایش در سنج‌های متنوع استاندارد زندگی یا به عبارتی تغییر شاخص‌های توسعه انسانی مانند امید به زندگی در بدو تولد و آموزش اثر مهم‌تری بر رشد تدریجی ارزش‌های متناسب با دموکراسی و درنهایت گذار به دموکراسی دارند» (ونهانن، ۲۰۰۳: ۲۴).

رابرت دال (۱۹۹۸) می‌گوید پولیارشی^۱ با خصوصیتی مانند سطح نسبتاً بالای درآمد و ثروت سرانه، رشد درآمد سرانه جاری، سطح بالای شهرنشینی، تنوع شغلی زیاد، باسواد گسترده، تعداد زیاد دانشجویان و... مرتبط است (دال، ۱۹۹۸: ۲۵۱). هانتینگتون (۱۹۹۱) در پیوند توسعه انسانی و دموکراسی و اهمیت ارزش‌های دموکراتیک استدلال مشابهی را مطرح و عنوان کرد که رشد طبقات متوسط مدرن در کشورهای در حال توسعه منشأ باورهایی شد که قدرت‌های دیکتاتوری را نامشروع تلقی کرد و ارزیابی مثبت در حال رشدی نسبت به آزادی‌ها داشت و در نتیجه، این تغییرات در نگرش‌های توده منبع عمده‌ای از فشارهای دموکراتیک‌ساز را فراهم آورد.

لاری دیاموند (۱۹۹۲) تأکید می‌کند که شاخص توسعه انسانی اهمیت و برجستگی خاص‌تری درمقایسه با سایر شاخص‌ها در تبیین فرهنگ سیاسی و دموکراسی دارد. دیاموند تأکید می‌کند که توسعه اقتصادی فقط با تغییرات مؤثر در ساختار اجتماعی و فرهنگ سیاسی می‌تواند دموکراسی را ایجاد کند (همان: ۱۰۹، ۱۲۸). کریستن ولزل (۲۰۰۰) روابط میان سنج‌های دموکراسی و تعدادی از شاخص‌های توسعه انسانی را واکاوی کرده و دریافته است که همبستگی شدیدی میان این دو وجود دارد.

اینگلهارت و همکارانش برآن‌اند که نوسازی در حال تکامل به سوی فرآیندهای توسعه انسانی است. در این فرآیند توسعه اجتماعی-اقتصادی موجب وقوع تغییرات فرهنگی می‌شود که استقلال افراد، برابری جنسیتی و دموکراسی را ترقی داده و به احتمال زیاد موجب رشد نوع جدیدی از جوامع انسان‌گرا می‌شود که رهایی انسان را از جهات مختلف بهبود می‌بخشند. بر

1. Poly archy

این اساس، برای اینگلهارت و همکاران، فرآیند گذار به دموکراسی به‌ویژه دموکراسی کارآمد از مجرای تغییر فرهنگی (ایجاد ارزش‌های ابراز وجود) عبور می‌کند. آن‌ها تأکید می‌کنند (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۹) که تقویت و ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی مهم‌ترین عامل رشد ارزش‌های ابراز وجود یا گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی به شمار می‌روند.

فرضیه تحقیق

سنجه‌ها یا شاخص‌های توسعه انسانی بر وضعیت ارزش‌های ابراز وجود استان‌های ایران اثر معنادار دارند.

تعریف مفاهیم

فرهنگ سیاسی:^۱ فرهنگ سیاسی عبارت است از تلقی مردم و جهت‌گیری آن‌ها درباره نظام سیاسی و کارکردهای آن، که در این زمینه انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند (قوام، ۱۳۷۹: ۱۰۵). در واقع، فرهنگ سیاسی دریچه‌ای به ابعاد ذهنی سیاست گشوده و در آن هنجارهای سیاسی حکمرانی شامل اهداف سیاسی مسلط، فرآیندهای سیاسی مرجع و نگاه شهروندان به حاکمیتشان تجمیع می‌شود (هندرسون، ۲۰۰۷). آلموند و وربا در کتاب فرهنگ مدنی اولین گونه‌شناسی از فرهنگ سیاسی جوامع را ارائه دادند. آن‌ها فرهنگ سیاسی را تحت عناوین محدود،^۲ تبعی یا انقیادی^۳ و مشارکتی^۴ طبقه‌بندی کردند. لوسین پای نیز فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند: دیدگاه‌ها، احساسات سیاسی و ادراکات که رفتار سیاسی را در هر جامعه‌ای تعیین و هدایت می‌کنند (پای، ۱۳۷۰: ۳۹).

ارزش‌های ابراز وجود یا رهاینده:^۵ آن دسته از ارزش‌های مردم‌سالارانه که موجد تأکید بر آزادی‌های مدنی و سیاسی توده، حمایت از محیط زیست، استقلال انسانی، تساهل و مدارا و ... بوده و از ارزش‌های بنیادی جامعه مردم‌سالار به شمار می‌آیند (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۳). اینگلهارت و ولزل توسعه انسانی را عامل زیربنایی در رشد بروز ارزش‌های ابراز وجود یا رهاینده^۶ می‌دانند. این ارزش‌ها دارای ابعادی چهارگانه بدین قرار است: ۱- استقلال فردی ۲- ارزش‌های فرامادی‌گرایانه ۳- برابری جنسیتی و ۴- تساهل که در این پژوهش نگرش به

1. Political Culture
2. Parochial
3. Subject
4. Participant
5. Self-Expression values
6. Emancipative Values

دموکراسی جایگزین بعد چهارم یعنی تساهل شده است (اینگلهارت، ۲۰۰۹). استقلال فردی بیشتر ناظر بر ارزش‌های ترجیحی خانواده در آموزش کودک و تربیت اوست. ارزش‌های فرامادی‌گرایانه نیز مبین تأکید بر آزادی، رضایت ذهنی و کیفیت زندگی، تساهل برون‌گروهي و اعتماد بین‌فردی در برابر تأکید بر حفظ نظم و ثبات، مبارزه با جرایم، امنیت شغلی و فیزیکی (ارزش‌های مادی‌گرایانه) است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۹۱).

توسعه انسانی:^۱ توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر افزایش می‌یابد؛ تأکید اساسی در این بخش از توسعه، بر زندگی طولانی همراه با سلامت، دستیابی به دانش و توانایی نیل به منابع معیشتی زندگی آبرومند است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۵۳). توسعه انسانی در کل معطوف به بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست. برای اولین بار سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ در گزارشی روندی از میزان توسعه انسانی کشورهای مختلف را بر اساس سه شاخص ۱- امید به زندگی ۲- سطح و میزان دسترسی به آموزش و ۳- درآمد منتشر کرد. این شاخص که به اچ. دی. آی^۲ معروف است، امروزه به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص برای سنجش سطح توسعه انسانی جوامع مطرح است.

روش‌شناسی پژوهش

الف: روش تجزیه و تحلیل و نرم‌افزار

روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر تحلیل ثانویه است. به منظور آزمون پایایی مدل اصلی تحقیق (مدل فرهنگ سیاسی یا ارزش‌های ابراز وجود) و تأیید مدل نظری از مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده که با بهره‌گیری از نرم‌افزار^۳ به انجام رسیده است. همچنین در آماده‌سازی داده‌ها برای استفاده در مدل معادله ساختاری و انجام آزمون فرضیه اصلی پژوهش از نرم‌افزار اس پی اس بهره برده شده است. جامعه آماری این پژوهش کل ایران و واحد تحلیل استان‌های آن است. پس از آنکه مقبولیت مدل به لحاظ پایایی و اعتبار مشخص شد، فرضیه اصلی یعنی میزان تأثیر شاخص‌های توسعه انسانی بر ارزش‌های ابراز وجود یا رهایی‌بخش در سطح استانی با استفاده از رگرسیون مورد سنجش قرار گرفت.

1. Human Development
2. HDI (Human Development Index)
3. Amos

ب: داده‌ها

۱- داده‌های مربوط به فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود)

داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها،^۱ موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ اخذ شده است. این پیمایش در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است. در این مجموعه داده‌ها استان محل سکونت پاسخگو در یکی از متغیرهای آن ثبت شده است، لذا امکان مقایسه میزان ارزش‌های رهایی‌بخش پاسخگویان به تفکیک استانی مهیا شده است. در این پژوهش استان‌هایی که تعداد نمونه آن‌ها در مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بود حذف شدند. در جریان این امر استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و یزد، از مجموع ۳۰ استان موجود در مجموعه داده‌ها حذف شدند و استان‌های خراسان جنوبی و شمالی نیز به لحاظ آنکه داده‌های توسعه انسانی آن‌ها در سال ۱۳۸۴ (سال نزدیک به پیمایش) به تفکیک در دسترس نبود، با استان خراسان رضوی ادغام گردید و در کل با نام استان خراسان در تحلیل‌ها آمده است. همچنین داده‌های مربوط به استان‌های کردستان، کرمانشاه و زنجان در مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها نیز نواقصی داشت که از تحلیل‌های ما حذف شد. لذا تحلیل ما مبتنی بر ۲۱ استان از مجموع استان‌های ایران بوده و با در نظر گرفتن استان‌های خراسان جنوبی و شمالی که داده‌های آن‌ها در استان خراسان رضوی ادغام شده‌اند در مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر ۱۹ استان باقی‌مانده خواهد بود. توزیع نمونه مورد مطالعه بر اساس سن، جنس، زبان و مذهب در جدول زیر گزارش شده است.

ردیف	استان	سن			زبان								مذهب						جنسیت			
		۱۵-۱۹	۲۰-۲۹	۵۰-۶۸	فارسی	ترکی	کردی	گیلک	لری	عربی	بلوچ	دیگر	شیعه	سنی	ارمنی	زرتشتی	یهودی	دیگر	مرد	زن	نامشخص	
۱	آذربایجان شرقی درصد	۱۴۵	۷۷	۵۰	۱۸	۱۲	۱۱۳	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۱	۳	۰	۰	۰	۱	۶۹	۷۴	۲
		۶۲	۵۳.۱	۳۴.۵	۱۲.۴	۸۳	۹۱	۰.۷	۰	۰	۰	۰	۰	۹۷.۲	۲.۱	۰	۰	۰	۰.۷	۴۷.۶	۵۱	۱.۴
۲	آذربایجان غربی درصد	۱۱۰	۶۲	۳۸	۱۰	۲۷	۵۲	۳۰	۰	۰	۰	۰	۱	۷۱	۳۶	۰	۰	۰	۳	۵۴	۵۵	۱
		۴.۷	۵۶.۴	۳۴.۵	۹.۱	۲۴.۵	۴۷.۳	۲۷.۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۹	۶۴.۵	۳۳.۷	۰	۰	۰	۲.۸	۴۹.۱	۵۰
۳	اردبیل درصد	۵۰	۳۴	۱۴	۲	۲	۴۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۹	۱	۰	۰	۰	۰	۲۳	۲۶	۱
		۲.۱	۶۸	۲۸	۴	۴	۹۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۸	۲	۰	۰	۰	۰	۴۶	۵۲	۲
۴	اصفهان درصد	۱۸۱	۹۱	۶۹	۲۱	۱۸۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷۵	۵	۰	۰	۱	۰	۹۱	۹۰	۰
		۷.۷	۵۰.۳	۳۸.۱	۱۱.۶	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۶.۷	۲.۸	۰	۰	۰.۶	۰	۵۰.۳	۴۹.۷	۰
۵	تهران درصد	۵۴۰	۲۳۶	۲۱۴	۹۰	۴۶۶	۵۰	۴	۳	۱۲	۰	۰	۵	۵۲۲	۷	۳	۲	۲	۱	۲۶۸	۲۶۵	۷
		۲۳	۴۳.۷	۳۹.۶	۱۶.۷	۸۶.۳	۹.۲	۰.۷	۰.۶	۲.۲	۰	۰	۰.۹۲	۹۶.۷	۱.۳	۰.۶	۰.۴	۰.۴	۰.۲	۴۹.۶	۴۹.۱	۱.۳
۶	خراسان درصد	۲۶۷	۱۱۸	۱۱۲	۳۹	۳۳۱	۲۱	۱	۶	۱	۱	۱	۵	۲۵۵	۱۰	۰	۰	۲		۱۳۰	۱۳۳	۴
		۱۱.۴	۴۴.۲	۴۱.۹	۱۰.۹	۸۶.۵	۷.۹	۰.۴	۲.۲	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۱.۹	۹۵.۵	۳.۷	۰	۰	۰.۷		۴۸.۷	۴۹.۸	۱.۵
۷	خوزستان درصد	۱۲۹	۵۸	۵۹	۱۲	۵۶	۱	۹	۰	۴	۵۸	۰	۱	۱۱۲	۱۴	۱	۱		۱	۶۵	۶۳	۱
		۵.۵	۴.۵	۴۵.۷	۹.۳	۴۳.۴	۰.۸	۷	۰	۳.۱	۴.۵	۰	۰.۸	۸۶.۸	۱۰.۹	۰.۸	۰.۸	۰	۰.۸	۵۰.۴	۴۸.۸	-۰.۸
۸	سیستان و بلوچستان درصد	۷۰	۳۶	۲۹	۵	۳۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶	۴۴				۲۸	۳۲	۰	
		۳	۵۱.۴	۴۱.۴	۷.۱	۵۰	۱.۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۸.۶						۵۴.۳	۴۵.۷	۰
۹	فارس درصد	۱۵۰	۸۳	۶۱	۶	۱۱۳	۱۱	۲	۰	۳	۰	۰	۰	۱۴۵	۰	۰	۰	۰	۵	۷۳	۷۷	۰
		۶.۴	۵۵.۳	۴۰.۷	۴	۸۸	۷.۳	۱.۳	۰	۲	۰	۰	۰	۹۶.۷	۰	۰	۰	۰	۳.۳	۴۸.۷	۵۱.۳	۰

۱۰	قیم درصد	۴۴	۲۴	۱۹	۱	۳۹	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲۱	۲۳	۰
		۱.۹	۵۴.۵	۴۳.۲	۲.۳	۸۸۶	۹.۱	۲.۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴.۵	۴۷.۷	۵۲.۳
۱۱	قزوین درصد	۴۴	۱۹	۲۱	۴	۲۸	۴	۲	۱	۶	۰	۰	۳	۳۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱۷	۲۲	۵
		۱.۹	۴۳.۲	۴۷.۷	۹.۱	۶۳.۶	۹.۱	۴.۵	۲.۳	۱۳.۶	۰	۰	۶.۸	۹۵.۵	۴.۵	۰	۰	۰	۰	۴۳.۶	۵۰	۱۱.۴
۱۲	کرمان درصد	۸۹	۳۳	۴۰	۱۶	۸۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۸۸	۰	۰	۰	۰	۱	۴۶	۴۳	۰
		۳.۸	۲۷.۱	۴۴.۹	۱.۸	۹۶.۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳.۴	۹۸.۹	۰	۰	۰	۰	۱.۱	۵۱.۷	۴۸.۳	۰
۱۳	گلستان درصد	۶۰	۳۳	۲۶	۱	۴۲	۱۶	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۵۸	۲	۰	۰	۰	۰	۲۱	۲۹	۰
		۲.۶	۵۵	۴۳.۳	۱.۷	۷۰	۲۶.۷	۰	۱.۷	۰	۰	۰	۱.۷	۹۶.۷	۲.۳	۰	۰	۰	۰	۵۱.۷	۴۸.۳	۰
۱۴	گیلان درصد	۱۰۰	۴۲	۵۷	۱	۲۹	۸	۰	۶۳	۰	۰	۰	۰	۹۷	۲	۰	۰	۰	۰	۴۸	۵۰	۲
		۴.۳	۴۲	۵۷	۱	۲۹	۸	۰	۶۳	۰	۰	۰	۰	۹۷	۲	۰	۰	۰	۰	۴۸	۵۰	۲
۱۵	لرستان درصد	۷۰	۵۲	۱۵	۳	۹	۰	۱	۰	۵۹	۰	۰	۱	۶۸	۱	۰	۰	۰	۱	۲۵	۲۵	۰
		۳	۲۱.۴	۷۴.۳	۴.۳	۱۲.۹	۰	۱.۴	۰	۸۴.۳	۰	۰	۱.۴	۹۷.۱	۱.۴	۰	۰	۰	۱.۴	۵۰	۵۰	۰
۱۶	مازندران درصد	۱۲۰	۷۰	۲۶	۱۴	۱۱۶	۱	۰	۲	۰	۰	۱	۱۱۴	۳	۰	۰	۲	۰	۵۹	۶۰	۱	
		۵.۱	۵۸.۳	۳۰	۱۱.۷	۹۶.۷	۰.۸	۰	۱.۷	۰	۰	۰	۰.۸	۹۵	۲.۵	۰	۰	۱.۷	۰	۴۹.۲	۵۰	۰.۸
۱۷	مرکزی درصد	۶۰	۳۱	۱۷	۱۲	۵۴	۵	۰	۱	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۹	۲۹	۲	
		۲.۶	۵۱.۷	۲۸.۳	۲.۰	۹۰	۸.۳	۰	۰	۱.۷	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۴۸.۳	۴۸.۳	۲.۳	
۱۸	هرمزگان درصد	۴۵	۱۳	۱۸	۱۴	۴۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲۵	۱۰	۰	۰	۰	۲۴	۲۱	۰	
		۱.۹	۲۸.۹	۴۰	۳۱.۱	۹۷.۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲.۳	۷۷.۸	۲۲.۲	۰	۰	۰	۵۳.۳	۴۶.۷	۰	
۱۹	همدان درصد	۶۹	۴۰	۲۷	۲	۳۱	۳۷	۰	۱	۰	۰	۰	۶۴	۲	۰	۲	۰	۱	۳۴	۲۵	۰	
		۲.۹	۵۸	۲۹.۱	۲.۹	۴۴.۹	۵۳.۶	۰	۱.۴	۰	۰	۰	۹۲.۸	۲.۹	۰	۲.۹	۰	۱.۴	۴۹.۳	۵۰.۷	۰	
کل درصد		۲۳۴	۱۱۵۲	۹۱۲	۲۶۱	۱۵۹۴	۴۱۷	۵۰	۷۷	۸۶	۵۹	۲۵	۲۵	۲۱۶۴	۱۴۲	۴	۵	۷	۱۶	۱۱۵	۱۱۶	۲۶
		۳																	۵	۲		
		۱۰۰	۴۹.۳	۳۹.۴	۱۱.۲	۶۸	۱۸.۲	۲.۱	۳.۳	۳.۷	۲.۵	۱.۵	-۰.۱	۹۲.۴	۶.۱	۰.۲	۰.۲	۰.۳	۰.۷	۴۹.۳	۴۹.۶	۱.۱

۲- داده‌های مربوط به میزان توسعه انسانی

داده‌های مربوط به میزان توسعه انسانی استان‌ها از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان (سابق) اخذ شده است. بر اساس شاخص اچ دی آی توسعه انسانی عبارت از متغیرهای زیر خواهد بود:

جدول ۳. ابعاد توسعه انسانی

میزان درآمد سرانه	توسعه انسانی شاخص اچ دی آی
سطح آموزش	
امید به زندگی	

این داده‌ها که شامل شاخص درآمدی^۱ (درآمد سرانه)، شاخص آموزشی^۲ و شاخص امید به زندگی^۳ است، برای سال ۱۳۸۴ که تقریباً مقارن با سال پیمایش ارزش‌هاست برای استان‌های مورد تحلیل این پژوهش به‌شيوه زیر گزارش شده است:

جدول ۴. میزان توسعه انسانی به تفکیک استان

نام استان	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزشی ج	شاخص درآمدی ج	شاخص توسعه انسانی
آذربایجان شرقی	۰/۷۲۶	۰/۸۲۵	۰/۵۹۹	۰/۷۱۶
آذربایجان غربی	۰/۷۰۵	۰/۸۰۵	۰/۵۸۸	۰/۶۹۹
اردبیل	۰/۷۱۷	۰/۸۳۱	۰/۵۶۲	۰/۷۰۳
اصفهان	۰/۷۶۳	۰/۸۷۷	۰/۶۵۴	۰/۷۶۵
تهران	۰/۷۶۶	۰/۹۰۹	۰/۷۱۴	۰/۷۹۶
خراسان	۰/۶۹۷	۰/۸۶۱	۰/۶۱۲	۰/۷۲۳
خوزستان	۰/۷۳۲	۰/۸۵۶	۰/۶۲۵	۰/۷۲۸
سیستان و بلوچستان	۰/۶۵۳	۰/۷۸۲	۰/۵۲۰	۰/۶۵۲
فارس	۰/۷۴۱	۰/۸۶۵	۰/۶۳۶	۰/۷۴۷
قزوین	۰/۷۴۷	۰/۸۷۸	۰/۶۹۹	۰/۷۶۵
قم	۰/۷۴۲	۰/۸۶۷	۰/۵۹۰	۰/۷۲۳
کرمان	۰/۷۱۲	۰/۸۵۴	۰/۵۹۸	۰/۷۲۱
گلستان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۲	۰/۶۶۲	۰/۷۲۶
گیلان	۰/۷۶۶	۰/۸۴۳	۰/۶۵۱	۰/۷۵۳
لرستان	۰/۷۰۲	۰/۸۳۴	۰/۵۷۵	۰/۷۰۳
مازندران	۰/۷۳۱	۰/۸۵۰	۰/۶۳۴	۰/۷۳۸
مرکزی	۰/۷۲۹	۰/۸۵۳	۰/۶۲۱	۰/۷۳۴
هرمزگان	۰/۷۲۰	۰/۸۳۴	۰/۶۰۱	۰/۷۱۸
همدان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۰	۰/۵۷۷	۰/۷۱۰

1. Per Capita Income
2. Education
3. Life expectancy

ج. متغیرها، مدل‌های اندازه‌گیری و اعتبار سازه

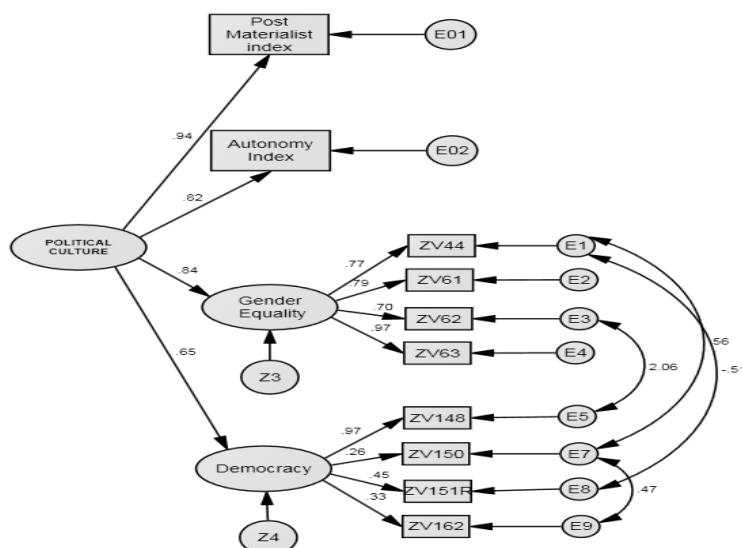
مدل اندازه‌گیری برای سازه اصلی ارزش‌های ابراز وجود^۱ در این مطالعه مشتمل بر پنج متغیر پنهان است که علاوه بر سازه اصلی فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود)، فرامادی‌گرایی^۲، متغیرهای استقلال^۳، برابری جنسیتی^۴ و نگرش دموکراتیک^۵ را دربرمی‌گیرد. اینگلههارت و ولز از تساهل به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزش‌های رهایی‌بخش بهره می‌گیرند که در این تحقیق با شاخص نگرش به دموکراسی جایگزین شده است. از آنجا که در مجموعه داده‌های پیمایش نمره نهایی متغیرهای فرامادی‌گرایی و استقلال محاسبه شده است، در اینجا نیز به‌عنوان یک متغیر، یعنی به صورت یک متغیر مشاهده‌شده در مدل تحقیق، استفاده شده است. همچنین متغیرهای برابری جنسیتی و نگرش به دموکراسی هرکدام جداگانه به لحاظ پایایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در نهایت، مدل نهایی علاوه بر ارزیابی با آلفای کرونباخ و مقدار ویژه، اعتبار آن با مدل‌سازی معادله ساختاری (آموس) نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. این کار علاوه بر سنجش برازش مدل، بارهای عاملی هر یک از متغیرها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی را برای ما آشکار خواهد کرد. در کل سازه فرهنگ سیاسی شامل متغیرهای زیر خواهد بود:

جدول ۵. ابعاد فرهنگ سیاسی

ارزش‌های فرامادی‌گرایی	ترجیح اظهار نظر و مشارکت در حاکمیت بر نظم و ثبات آمرانه
	ترجیح آزادی بیان بر نظم و ثبات آمرانه
	ترجیح دخالت و مشارکت مردم در امور محلی بر مبارزه و مقابله شدید با جرائم
شاخص استقلال	موافقت با مستقل بودن
	موافقت با تخیلی بودن
	مخالفت با مطیع و فرمانبردار بودن
نگرش به برابری جنسیتی	مخالفت با باور و اعتقادی بودن
	V61 مخالفت با اینکه مردان رهبران سیاسی بهتری هستند
	V62 مخالفت با اینکه تحصیلات برای پسران مهم‌تر است
نگرش به دموکراسی	V63 مخالفت با اینکه مردان حق بیشتری برای اشتغال دارند
	V148 مخالفت با گویه داشتن رهبر قدرتمند
	V150 مخالفت با گویه داشتن حکومت نظامی
	V151 موافقت با داشتن یک رژیم سیاسی دموکراتیک
	V162 اهمیت دموکراسی نزد فرد

1. Self-Expression Values
2. Post materialism Values
3. Independence
4. Gender Equality
5. Attitude to Democracy

کلیه داده‌های پیمایش (WVS) برای متغیرهای فوق پس از تجمیع در سطح استانی و استانداردسازی (محاسبه نمرات Z استاندارد) وارد مدل فرهنگ سیاسی شده است.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی به همراه بارهای عاملی آن

در مدل بالا، متغیرهایی که دارای بارهای عاملی کم بوده یا شاخص‌های برازش آن‌ها در حد قابل قبولی نبوده است، از مدل اندازه‌گیری حذف شده‌اند. در مجموع متغیرهای باقی‌مانده حاصل پالایش آماری مبنای نظری موجود است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کلیه وزن‌های رگرسیونی دارای بارهای عاملی مثبت و در حد مناسبی بالاست که همین امر نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول را از صحت مبانی نظری به نمایش می‌گذارد.

یکی از فاکتورهای برازش مدل‌های معادله ساختاری کوچک بودن مقدار کای اسکوئر آن و نزدیک شدن آن به کای اسکوئر مدل اشباع و به صورت همزمان نزدیک شدن درجه آزادی آن به مدل استقلال است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). وجود کای اسکوئر کوچک و غیرمعمول ($P=0.255$) در مدل تدوین شده با درجه آزادی نسبتاً بالا (۲۹)، نشانه مطلوبی از برازش مدل به حساب می‌آید. همچنین همان‌طور که در جدول ۶ نیز مشخص است، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی^۱ که دامنه مطلوب برای آن ۱ تا ۵ است در مدل تدوین شده برابر ۱/۱۵۸ است.

1. CMIN/DF

جدول ۶. کای اسکوتر و درجه آزادی مدل تدوین شده

مدل	پارامترهای آزاد ^۱	کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معنی داری	نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی
مدل تدوین شده ^۲	۲۶	۳۳/۵۷۰	۲۹	۰/۲۵۵	۱/۱۵۸
مدل اشباع شده ^۳	۵۵	۰/۰	۰		
مدل استقلال ^۴	۱۰	۱۷۷/۳۲۵	۴۵	۰/۰	۳/۹۴۱

جدول زیر نتایج دیگر اعتبار مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود) را نشان می‌دهد:

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل فرهنگ سیاسی

مدل تدوین شده	شاخص‌ها			نوع شاخص
	دامنه قابل قبول	معادل فارسی	علامت اختصاری	
مدل				
۰/۹۶۵	۰/۹۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی	CFI	تطبیقی
۰/۹۴۶	۰/۹۰ - ۱	شاخص توکر-لویس	TLI	
۰/۵۲۲	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	PNFI	مقتصد
۰/۶۲۲	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	
۰/۰۸۷	۰ - ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	مطلق
۰/۷۵۵	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش	GFI	
۰/۵۳۵	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که کلیه شاخص‌های تطبیقی و مقتصد در حد قابل قبول بوده و تنها شاخص RMSEA کمی با دامنه قابل قبول فاصله دارد. از آنجا که همین شاخص‌ها نیز معیارهای اصلی قضاوت درباره برازش کلی مدل به حساب می‌آیند (احمدی و قاسمی، ۱۳۹۰)، در مجموع می‌توان گفت مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است.

علاوه بر اعتبار مدل باید مشخص شود هر یک از بارهای عاملی به صورت جداگانه معنی‌دار هستند یا خیر. در جدول زیر علاوه بر قید شدن برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد برای هر یک از وزن‌های رگرسیونی، نسبت بحرانی (نسبت برآورد غیراستاندارد به انحراف استاندارد) و نیز سطح معنی‌داری آن قید شده است. این امر به ما اجازه خواهد داد تا به قضاوت در مورد

1. NPAR
2. Default model
3. Saturated model
4. Independence model

هریک از بارهای عاملی به صورت جداگانه بپردازیم، چه آنکه ممکن است با وجود برازش مدل یک یا تعدادی از بارهای عاملی آن فاقد معنا باشد.

جدول ۸. برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد به همراه سطح معنی‌داری

برآورد		انحراف استاندارد S.E	نسبت بحرانی C.R	سطح معنی‌داری	وزن‌های رگرسیونی
غیر استاندارد	استاندارد				
۱/۰	۰/۹۳۵	متغیر مرجع			POLITICAL_CULTURE Y001<---
۰/۷۹۵	۰/۸۱۷	۰/۱۵۹	۴/۹۹۰	۰/۰	POLITICAL_CULTURE Y003<---
۰/۵۴۰	۰/۸۳۶	۰/۱۲۶	۴/۲۶۹	۰/۰	<--- POLITICAL_CULTURE Gender_Equality
۱/۰	۰/۷۶۷	متغیر مرجع			ZV63 <--- Gender_Equality
۱/۲۶۸	۰/۷۸۶	۰/۲۷۴	۴/۶۲۸	۰/۰	ZV61 <--- Gender_Equality
۰/۷۱۸	۰/۶۹۸	۰/۱۸۳	۳/۹۲۲	۰/۰	ZV62 <--- Gender_Equality
۰/۴۶۶	۰/۶۵۰	۰/۱۳۶	۳/۴۲۴	۰/۰	<--- POLITICAL_CULTURE Democracy
۱/۰	۰/۹۷۲	متغیر مرجع			ZV148 <--- Democracy
۰/۳۵۴	۰/۲۶۳	۰/۲۵۹	۱/۳۶۸	۰/۰۷۱	ZV150 <--- Democracy
۰/۳۸۷	۰/۴۴۷	۰/۲۱۶	۱/۷۸۷	۰/۰۷۴	ZV151R <--- Democracy
۰/۳۱۲	۰/۳۳۰	۰/۲۲۰	۱/۴۲۰	۰/۰۵۵	ZV162 <--- Democracy

سطح معنی‌داری در جدول فوق حاکی از آن است که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار پارامتر را برابر صفر قرار می‌دهد، چه میزان احتمال خطا وجود دارد. سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۵٪، به معنی قبول فرض صفر بوده و مقدار برآورد شده پارامتر فاقد تفاوت معنادار با صفر است و لذا باید از مدل تدوین شده حذف شود. مقادیر کمتر از آن نیز به معنی رد فرض صفر و قبول پارامتر است.

به سبب کمبود مقدار شاخص‌های مطلق مدل تدوین شده علاوه بر بررسی اعتبار کل سازه در AMOS، اعتبار مدل فرهنگ سیاسی و نیز توسعه انسانی هم در سطح متغیرهای پنهان و هم در سطح کل مدل با آلفای کرونباخ و نیز تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت. این کار علاوه بر تأیید مدل‌های اندازه‌گیری به لحاظ اعتبار، اجازه تبدیل آن‌ها را به یک عامل به ما خواهد داد. نتایج در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۹. نتایج آلفای کرونباخ و مقدار ویژه برای شاخص‌های مدل فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی

مقدار ویژه Eigenvalue	آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha	متغیرهای مشاهده شده مربوط به آن Observed Variables	متغیر پنهان یا شاخص
۲/۴۸۱	۰/۷۶۷	مخالفت با اینکه مردان رهبران سیاسی بهتری هستند	برابری جنسیتی Gender Equality
		مخالفت با اینکه تحصیلات برای پسران مهم‌تر است	
		مخالفت با اینکه مردان حق بیشتری برای اشتغال دارند	
۲/۳۰۳	۰/۷۳۳	مخالفت با گویه داشتن رهبر قدرتمند	نگرش به دموکراسی Attitude to Democracy
		مخالفت با گویه داشتن حکومت نظامی	
		موافقت با داشتن یک رژیم سیاسی دموکراتیک	
		اهمیت دموکراسی نزد فرد	
۲/۵۳۳	۰/۶۲۷	ارزش‌های فرامادگرایی	ارزش‌های رهاپنده (سطح کل مدل) Emancipative Values
		استقلال	
		برابری جنسیتی	
		دموکراسی	
۲/۵۳۹	۰/۸۷۳	درآمد سرانه Per Capita Income	توسعه انسانی Human Development HDI
		امید به زندگی Life Expectancy	
		سطح آموزش Education	

یافته‌های تحقیق

رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب نمره شاخص‌ها، فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی

رتبه‌بندی که در جدول زیر گزارش می‌شود بر اساس نمره عاملی هر یک از استان‌ها از شاخص مذکور است. همان‌طور که قابل مشاهده است، میان رتبه عاملی فرهنگ سیاسی و رتبه توسعه انسانی تعدادی از استان‌ها نظیر تهران، گیلان و سیستان هماهنگی کامل وجود داشته و رتبه‌های فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی آن‌ها مساوی هم است. تعداد دیگری نیز نظیر آذربایجان شرقی، اردبیل، خوزستان، قم، کرمان، مرکزی و همدان تفاوت رتبه توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی‌شان در حد دو یا سه مرتبه است. البته دو استان نیز وجود دارند که تفاوت رتبه‌های آن‌ها بسیار فاحش است. اولی استان آذربایجان غربی است که جایگاه سوم را در رتبه‌بندی فرهنگ سیاسی کسب کرده، اما در همان حال رتبه ۱۸ توسعه انسانی را در میان ۱۹ استان کسب نموده است. استان دوم نیز قزوین است که رتبه ۲ توسعه انسانی و رتبه ۱۴

شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

فرهنگ سیاسی را به خود اختصاص داده است. در مورد سایر استان‌ها نیز فاصله‌ای کم‌وبیش منطقی میان رتبه‌های فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی آن‌ها مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰. رتبه‌های استان‌ها بر اساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی

رتبه فرهنگ سیاسی	رتبه شاخص نگرش به دموکراسی	رتبه شاخص برابری جنسیتی	رتبه شاخص استقلال	رتبه شاخص ارزش‌های فرامادی‌گرایانه	رتبه توسعه انسانی (مجموع نمرات متغیرها)	استان	رتبه
۱۱	۴	۱۱	۱۳	۱۱	۱۴	آذربایجان شرقی	۱
۳	۵	۱	۱۱	۶	۱۸	آذربایجان غربی	۲
۱۵	۱	۱۹	۱۶	۷	۱۷	اردبیل	۳
۸	۸	۵	۱۰	۱۰	۳	اصفهان	۴
۱	۷	۲	۳	۶	۱	تهران	۵
۱۶	۱۲	۱۳	۱۴	۱۶	۱۱	خراسان	۶
۵	۱۸	۱۴	۱	۳	۸	خوزستان	۷
۱۹	۱۳	۱۵	۱۹	۱۷	۱۹	سیستان و بلوچستان	۸
۱۰	۱۵	۶	۸	۱۵	۵	فارس	۹
۱۴	۱۶	۱۲	۴	۱۹	۲	قزوین	۱۰
۱۲	۲	۱۷	۱۲	۱۳	۱۰	قم	۱۱
۹	۱۹	۹	۲	۴	۱۲	کرمان	۱۲
۱۳	۱۴	۷	۱۵	۱۲	۶	گلستان	۱۳
۴	۳	۱۰	۶	۵	۴	گیلان	۱۴
۷	۹	۴	۷	۱۴	۱۶	لرستان	۱۵
۲	۱۰	۳	۹	۲	۷	مازندران	۱۶
۶	۱۱	۱۶	۵	۱	۹	مرکزی	۱۷
۱۸	۶	۱۸	۱۸	۱۸	۱۳	هرمزگان	۱۸
۱۷	۱۷	۸	۱۷	۹	۱۵	همدان	۱۹

در جدول زیر، استان‌ها براساس رتبه فرهنگ سیاسی‌شان مرتب شده و در کنار هر استان رتبه توسعه انسانی آن نیز درج شده تا امکان مقایسه رتبه‌ها بهتر فراهم گردد.

جدول ۱۱. رتبه فرهنگ سیاسی و توسعه انسانی

رتبه توسعه انسانی	رتبه فرهنگ سیاسی	استان
۱	۱	تهران
۷	۲	مازندران
۱۸	۳	آذربایجان غربی
۴	۴	گیلان
۸	۵	خوزستان
۹	۶	مرکزی
۱۶	۷	لرستان
۳	۸	اصفهان
۱۲	۹	کرمان
۵	۱۰	فارس
۱۴	۱۱	آذربایجان شرقی
۱۰	۱۲	قم
۶	۱۳	گلستان
۲	۱۴	قزوین
۱۷	۱۵	اردبیل
۱۱	۱۶	خراسان
۱۵	۱۷	همدان
۱۳	۱۸	هرمزگان
۱۹	۱۹	سیستان و بلوچستان

محاسبه رگرسیون

پس از تأیید اعتبار مدل، در این بخش میزان تأثیر شاخص‌های توسعه انسانی بر بروز ارزش‌های ابراز وجود محاسبه خواهد شد. در این مرحله ابتدا متغیرهای هرکدام از شاخص‌های توسعه انسانی و ارزش‌های رهاينده به یک عامل کاسته شده و سپس محاسبه تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل بر متغیر وابسته انجام گرفت. مزیت رگرسیون بر سایر آزمون‌های آماری مشابه در آن است که علاوه بر دقیق‌تر بودن تبیین‌های آن، قدرت پیش‌بینی به محقق خواهد داد که جایگاه متغیرهای وابسته را براساس متغیر مستقل تعیین کند. لذا محاسبه رگرسیونی علاوه بر آنکه مشخص خواهد کرد که آیا توسعه انسانی توانایی تبیین فرهنگ سیاسی را دارد یا خیر، جایگاه

شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

هر استان را در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود با توجه به میزان توسعه انسانی آن استان مشخص خواهد کرد.

جدول ۱۲. نتایج تأثیر رگرسیونی توسعه انسانی بر فرهنگ سیاسی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted R Square	خطای استاندارد برآورد استاندارد Std. Error of the Estimate
۱	۰/۵۳۰	۰/۲۸۱	۰/۲۳۹	۰/۴۶

براساس جدول فوق می‌توان عنوان کرد که متغیر مستقل که در اینجا عبارت است از توسعه انسانی (HDI)، ۰/۲۸ واریانس متغیر وابسته (فرهنگ سیاسی) را تبیین می‌کند. جدول زیر نیز نتایج تحلیل رگرسیونی را نشان خواهد داد:

جدول ۱۳. نتایج تأثیر رگرسیونی توسعه انسانی بر فرهنگ سیاسی

	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا	آماره تی	سطح معنی‌داری
	بی	انحراف استاندارد			
عدد ثابت	-۶/۶۰۶	۲/۵۲۲	۰/۵۳۰	-۲/۶۱۹	۰/۰۱۸
HDI	۲/۹۷۰	۱/۱۵۱		۲/۵۸۰	۰/۰۱۹

بر اساس ضرایب استاندارد نشده معادله رگرسیونی تأثیر توسعه انسانی بر فرهنگ سیاسی به قرار زیر خواهد بود:

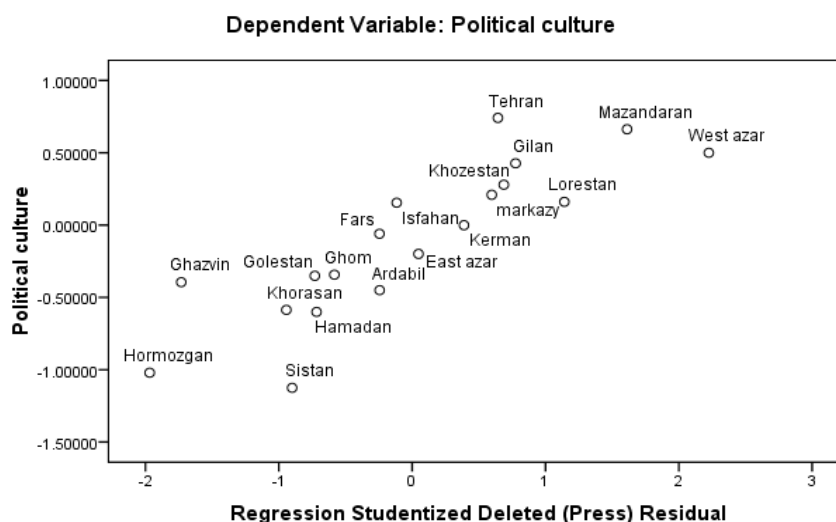
$$y = -6.606 + 2.97x$$

یا (نمره عاملی توسعه انسانی استان) $y = -6.606 + 2.97x$

نمره عاملی فرهنگ سیاسی سطح انسانی

همچنین بر اساس ضرایب استاندارد شده می‌توان گفت: (توسعه انسانی) $0.530 =$ فرهنگ سیاسی. شکل زیر جایگاه هر استان را در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود براساس تابع خطی فوق مشخص می‌کند.

شکل ۲. جایگاه استان‌ها در معادله رگرسیونی تاثیر توسعه انسانی بر فرهنگ سیاسی $Y = -6.863 + 3.092X$



در جدول زیر نیز ضرایب و تأثیر رگرسیونی هرکدام از متغیرهای توسعه انسانی یعنی درآمد سرانه، سطح آموزش و امید به زندگی هرکدام به صورت جداگانه مورد محاسبه قرار گرفته است:

جدول ۱۴. نتایج تأثیر رگرسیونی توسعه انسانی بر فرهنگ سیاسی به تفکیک عامل‌ها

	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره تی	سطح معنی داری
	بی	انحراف استاندارد	بتا		
عدد ثابت	-۳/۶۰۳	۱/۴۵۹	۰/۵۰۴	-۲/۴۷۱	۰/۰۲۴
درآمد سرانه	۵/۶۷۲	۲/۳۵۸		۲/۴۰۵	۰/۰۲۸
عدد ثابت	-۶/۳۳۳	۳/۵۷۹		-۱/۷۷۰	۰/۰۹۵
آموزش	۷/۳۵۱	۴/۲۲۲	۰/۳۸۹	۱/۷۴۱	۰/۱
عدد ثابت	-۸/۱۵۴	۲/۸۰۸		-۲/۹۰۴	۰/۰۱۰
امید به زندگی	۱۱/۱۰۰	۳/۸۷۰	۰/۵۷۱	۲/۸۶۸	۰/۰۱۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هرکدام از متغیرهای توسعه انسانی به صورت جداگانه نیز توان پیش‌بینی سطح بروز ارزش‌های ابراز وجود را دارند. بجز میزان آموزش که سطح معنی‌داری آن اندکی بالاتر از مقدار معمول است، دو متغیر دیگر (درآمد سرانه و امید به زندگی) به صورت کاملاً معنادار بر فرهنگ سیاسی تأثیرگذارند. لذا بر اساس این نتایج، متغیر

امید به زندگی دارای بیشترین تأثیر (۰/۵۷۱) بر ارزش‌های ابراز وجود بوده است و پس از آن متغیر درآمد سرانه (۰/۵۰۴) اثر کمتری بر ارزش‌های ابراز وجود داشته است.

جمع‌بندی

مردم‌سالاری صرفاً ایجاد ترتیبات سیاسی معین نیست، بلکه بیش از این به معنی نوع مشخصی از فرهنگ سیاسی است. نوعی فرهنگ مدنی که در برابر فرهنگ خشونت و اقتدار قرار می‌گیرد (مدیسون، ۱۳۷۸: ۲۲۶). از زمانی که آلموند و وربا در دهه ۶۰ اقدام به طبقه‌بندی فرهنگ‌های سیاسی کردند، آنچه نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی را به خود مشغول داشته ریشه‌های این فرهنگ مدنی است.

از رهیافت‌های نظری قدرتمند در این زمینه رهیافت توسعه انسانی برآمده از نظریه نوسازی^۱ است. از دیدگاه توسعه انسانی عنصر حیاتی دموکراتیک شدن، قدرتمند شدن شهروندان است. لذا چنانچه توسعه اقتصادی - اجتماعی منجر به رها شدن افراد از قید و بندهای اجتماعی و اقتصادی شود، قاعدتاً «مجال بیشتری برای رشد نهادها و ترتیبات سیاسی دموکراتیک فراهم خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۵۲). نظریه‌پردازان جدید نوسازی معتقدند: «ترجیحات [ارزشی] مردم بازتاب وضعیت اقتصادی - اجتماعی آن‌هاست و ارزش‌های ذهنی متعالی آن‌ها را تبدیل به نیازهای مبرم می‌کند. در حالی که معیشت مادی و امنیت فیزیکی در شرایط کمیابی از التزامات اولیه بقا به شمار آمده و مردم اولویت‌های اصلی‌شان را در این شرایط به اهداف مادی اختصاص می‌دهند، در وضعیت شکوفایی و رونق، احتمال بیشتری هست که بر ارزش‌های ابراز وجود و رهایی‌بخش تأکید کنند (اینگلهارت، ۲۰۰۹).

ایده کانونی این نظریه که با شواهد جدید حاصل از داده‌های پیمایش در ۸۱ جامعه (۸۵ درصد جمعیت جهان) از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲ تأیید می‌شود آن است که ارزش‌ها و عقاید و فرهنگ سیاسی جوامع در جهت قابل پیش‌بینی و هماهنگ با توسعه اقتصادی - اجتماعی در حال تغییر است. از نظر نویسندگان این مقاله، از آنجا که سطوح فروملی همانند استان یا ایالت‌های مختلف هر کشوری از سطوح متفاوت توسعه انسانی و اقتصادی برخوردارند و تفاوت‌هایی گاه فاحش در وضعیت توسعه انسانی آن‌ها وجود دارد، اگر ایده کانونی این نظریه در سطح دولت - ملت دارای اعتبار باشد، باید به تغییرات در سطوح پایین‌تر و در سطوح مختلف فروملی نیز حساس و دارای اعتبار باشد. از این رو، نوشتار حاضر این نظریه را در سطح استان‌های ایران آزمون کرده است. نتایج این پژوهش که شاید اولین پژوهش در نوع خود برای

1. Modernization

کشف ریشه‌های فرهنگ سیاسی کل جامعه ایرانی با استفاده از کلان نظریه نوسازی باشد، حاکی از اعتبار این نظریه در سطح استان‌های ایران است. تا آنجا که به نتایج این پژوهش مربوط است، سطح توسعه انسانی تا ۲۸ درصد گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی را در سطح استان‌های ایران تبیین می‌کند. اینگلهارت و ولزل بر این باورند که نظام ارزشی جوامع بازتاب تعامل میان نیروهای محرک نوسازی و تداوم تأثیر سنت است. در حقیقت، تکامل مردم‌سالاری منعکس‌کننده نیروهای منسجم رهاينده در توسعه انسانی بوده و همین نیروها به همراه سنت، موجبات رشد ارزش‌های ابراز وجود را فراهم خواهند آورد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

بر این اساس، می‌توان گفت نوشتار حاضر در واقع مؤید نظریه‌ها و مباحث اندیشمندی مانند رابرت دال (۱۹۹۸) مبتنی بر اثر شاخص‌های توسعه انسانی مانند سطح نسبتاً بالای درآمد و ثروت سرانه، باسوادی گسترده، تعداد زیاد دانشجویان و... بر پولیاریتی یا جامعه تکثرگرای پویای مدرن؛ لاری دیاموند (۱۹۹۲) مبتنی بر اهمیت و برجستگی خاص‌تر شاخص توسعه انسانی نسبت به سایر شاخص‌ها در تبیین دموکراسی و فرهنگ متناسب با دموکراسی؛ بحث کریستین ولزل (۲۰۰۰) در مورد همبستگی میان تعدادی از شاخص‌های توسعه انسانی و سنج‌های دموکراسی و همچنین مؤید ایده اصلی اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹) درباره اثر شاخص‌های توسعه انسانی بر رشد ارزش‌های ابراز وجود است.

علاوه بر آن، گفتنی است نظر به آنکه بخشی از واریانس فرهنگ سیاسی توسط شاخص‌های توسعه انسانی تبیین می‌گردد، می‌توان گفت فرهنگ سیاسی ایران به طور عام و ارزش‌های رهاينده به طور خاص با متغیرها و عوامل دیگری نظیر سنت‌ها و مؤلفه‌های خاص فرهنگ ایرانی، تأثیرات قومی و مذهبی، رشد شهرنشینی و طبقات متوسط، تأثیر انقلاب اسلامی، توسعه سیاسی و... نیز قابلیت تبیین می‌یابد.

منابع

- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۴) «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه معرفت، قم، ۹۸: ۱۰-۲۳.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۷) بررسی میزان دموکراتیک شدن فرهنگ سیاسی در میان شهروندان شهر سنج مبتنی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی، پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان.
- احمدی، یعقوب و وحید قاسمی (۱۳۸۹) «فرهنگ سیاسی دموکراتیک در جوامع چندقومی»، مجله جامعه‌شناسی/ایران، دوره ۱۱، شماره ۳: ۷۸-۱۱۷.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان.

- اینگله‌پارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹) *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴) *گذار به دموکراسی*، تهران: نگاه معاصر.
- بوستانی، داریوش (۱۳۷۹) بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد بیست سال به بالای شهر شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- پای، لوسیون (۱۳۷۰) «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، *نامه فرهنگ*، شماره ۵-۶، سال دوم، پاییز و زمستان: ۳۷-۴۷.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵) «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، نقد و نظر، شماره ۷: ۲۰۰-۲۱۳.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۶) *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سیونگیو، دال (۱۳۸۱) *پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران*، تهران: خانه سبز.
- شریف، محمدرضا (۱۳۸۱) *انقلاب آرام: در آمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران*، تهران: روزنه.
- شوماخر، رندال ای. لومکس و ریچارد جی (۱۳۸۸) *مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری*، ترجمه وحید قاسمی، تهران: جامعه‌شناسان.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲) *فرهنگ سیاسی آرش*، تهران: آشیان.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹) *مدل‌سازی معادله ساختاری با کاربرد Amos Graphics*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹) *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
- مدیسون، گری (۱۳۷۸) *اقتصاد سیاسی جامعه مدنی*، ترجمه قدرت احمدیان، تهران: سفیر.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۶) *فرهنگ سیاسی در ایران*، تهران: فرهنگ صبا.
- Almond, G. A. and S. Verba (1963) *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton: Princeton University Press.
- Bell, Daniel (1993) *"Communitarians and Its Critics"*, Oxford: Clarendon Press.
- Byrne, B. M (2010) *Structural Equation Modeling with Amos*. New York: Rutledge.
- Bracher, K. D. (1971 [1955]), *Di, Aufl ösung der Weimarer Republik, Königstein: Deutsche Verlagsanstalt*.
- Clague, C., S. Geasob and S. Knack (2001) "Determinants of Lasting Democracy in Poor Countries: Culture, Development, and Institutions", *Annals of the American Academy* 573: 16~41.
- Dahl, R. A. (1998) *Democracy and its Critics*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Diamond, Larry (1999) *Developing Democracy toward Consolidation*, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

- Diamond, Larry (2003) *How People View Democracy: Findings from Public Opinion Surveys in Four Regions*, Center for the Study of Democracy Paper Series, Irvine, CA.
- Eckstein, S., G. Donald, D. Horton and T. Carroll (1966) "Land Reform in Latin America: Bolivia, Chile, Mexico, Peru, and Venezuela", *Staff Working Paper, No, 275*, Washington, DC: The World Bank.
- Gibson, James L. (1997) "Mass Opposition to the Soviet Putsch of August 1991: Collective Action, Rational Choice, and Democratic Values", *American Political Science Review*, 91 (September): 671~84.
- Gurr, T. (2000) "Ethnic Warfare on the Wane", *Foreign Affairs Journal*, 79: 52~64.
- Haerpfer, C. and etc. (2009) *Democratization*, London: Oxford University Press.
- Henderson, Ailsa (2007) "Small Worlds as Predictors of Generalized Political Attitudes", *Regional and Federal Studies*, 20 (4/5): 471-87.
- Huntington, Samuel P. (1996) *The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order*, New York: Simon & Schuster.
- Hyden, G. (2002) "Democratization in Africa: in Search of Depth and Nuances", in O. Elgström and G. Hyden (Eds.) *Development and Democracy: What Have We Learned and How?*, London: Routledge.
- Inglehart, Ronald and Christian Welzel (2003) "Political Culture and Democracy: Analyzing the Cross-level Linkages", *Comparative Politics*, 36 (October): 61~79.
- Inglehart, R., R. Foa, C. Welzel and C. Peterson (2008) "Social Change, Freedom and Rising Happiness: A Global Perspective, 1981~2007", *Perspectives on Psychological Science*, 3: 264-285.
- Inglehart, Ronald and Christian Welzel (2009) "Political Culture, Mass Beliefs, and Value Change", in *Democratization*, Harper and Etc, Oxford University Press: 126-143.
- Inoguchi, T. and E. Newman (1997) "Introduction: Asian Values' and Democracy in Asia", in *Asian Values and Democracy in Asia*, Tokyo: The United Nations University.
- Lasswell, H. D. (1951) *The Political Writings of Harold D. Lasswell*, Glencoe, IL: Free Press.
- Li, Q. (2005) "Does Democracy Promote or Reduce Transnational Terrorist Incidents?", *Journal of Conflict Resolution*, 49 (2): 278~97.
- Lipset, S. M. (1959) "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy", *American Political Science Review*, 53 (1): 69~105.
- Malesevic, Senisa (2004) *Sociology of Ethnicity*, London: Sage Publication.

- Marks, and L. Diamond (1992) "Seymour Martin Lipset and the Study of Democracy", in G. Marks and L Diamond (Eds.) *Reexamining Democracy: Essays in Honor of Seymour Martin Lipset*, Newbury Park: Sage Publications.
- Marsh, I., J. Blondel and T. Inoguchi (Eds.) (1999) *Democracy, Governance, and Economic Performance: East and Southeast Asia*, Tokyo: United Nations University Press.
- Poe, S. and C. Tate (1994) Repression of Human Rights to Personal Integrity in the 1980s: A Global Analysis, *American Political Science Review*, 88 (4): 853~872.
- Rothstein, Bo (2000) "Trust, Social Dilemmas and Collective Memories", *Journal of Theoretical Politics*, 12 (4): 477~501.
- Russett, B. (1993) "The Fact of Democratic Peace", in B. Russett (Ed.), *Grasping the Democratic Peace*, Princeton: Princeton University Press: 3~23.
- Seligson, Mitchell (2002) "The Renaissance of Political Culture or the Renaissance of the Ecological Fallacy", *Comparative Politics*, 34 (April): 273~92.
- Sharma, K. (2009) *Functional Management*, New York: Kelani.
- Tocqueville, Alexisde (1994) *Democracy in America*, London: Fontana Press.
- Vanhanen, Tatu (2003) *Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries*, London: Rutledge.